

## توقعات بیمورد افغانها در مورد حکومت جدید امریکا!



تحلیلهای و نتیجهگیری در برابر حوادث کشور جهان و روابط در بین دولتها باید براساس اسناد و حقایق تاریخی متکی با واقعینی بررسی و برجسته شود، نه براساس صف آرایهای خوشبینی و یا بد بینین ایدیولوژیک که متکی بر حفظ مقام و یا بدست آوردن امتیازات شخصی افراد و حلقات معین باشد کاملاً نادرست و مضر است.

پیشنهادات و تحلیلهای کنونی نوشته محترم سید عبدالله کاظم تحت عنوان زیر است. " امریکا نباید اشتباه سی سال قبل را بار دیگر در افغانستان تکرار کند ! "

آقای سید کاظم در مورد سیاست ایالات متحده امریکا- اتحاد جماهیر شوروی و حوادث گذشته پیرامون افغانستان متکی نظرات افراد نوشته است، این نوشته بحیث نظر شخصی ایشان قابل بحث نیست. مگر متأسفانه تحلیلهای این نوشته او بیشتر براساس نتیجهگیری افراد استوار است، که با وقایع گذشته، حقایق عینی و اهداف ستراتیژیک امریکا و شرایط در افغانستان مطابقت ندارد. با برخی از نمونه های نوشته او در زیر توجه فرمائید.

**\*- اینکه چرا افغانستان بعد از کودتای ثور 1357 (اپریل 1978) و بخصوص پس از تهاجم قوای سرخ به مهد جنگ و خونریزی و میدان رقابت های جنگ سرد بین دو ابر قدرت زمان - امریکا و شوروی؟**

**\*- بی اعتنائی و اغماض سیاسیون امریکا در مورد افغانستان سابقه طولانی دارد. ؟**

**\*- مقامات امریکائی میگویند که آنها علایق بسیار محدود برای افغانستان دارند. ؟**

اولاً: کشورهای بزرگ ابر قدرت دارای اهداف منقطوی و جهانی ستراتیژیک خود می باشد. یک کشور بشمول ایالات متحده امریکا ولو هر چند قویترین ابر قدرت در جهان هم باشد، باز هم نمی تواند، سرنوشت یک ملت دیگر مانند افغانستان را تعیین و تضمین کند. برای اثبات این حقیقت دو دهه اخیر حضور قوای نظامی امریکا و ناتو کافی است. امریکا و ناتو با مجهزترین قوای نظامی خویش در جهان، با بیلیونها دالر، یورو و پوند چندین چندین مرتبه بیشتر از منابع مالی برای

پلان مارشال (برای اعمار اروپای ویران شده جنگ دوم جهانی) در افغانستان حضور دارند و سرمایه‌های همگفت را مصرف نمودند. تعیین سرنوشت افغانستان مربوط به تلاش‌های و زحمات مردم افغانستان و نیروهای آگاه داخلی آنست، که در تعیین سرنوشت و اعمار کشور خود شان مسؤلیت و نقش تعیین کننده دارند. اینکه افغانها بخصوص چیز فهمان و نیروهای آگاه افغانستان آماده قربانی و مبارزه برای اعمار کشور خود شان نیستند، برعکس افغانهای چیز فهمان و نیروهای آگاه افغانستان روشهای پراکنده، انتقام‌گیری و خصومت‌های ایدیولوژیک را در بین خود شان در پیش گرفته اند، مسؤلیت امریکاها نیست.

ثانیاً: استدلال شما عمدتاً مبنی بر مقالات، تحلیل‌ها و نظرات افراد استوار است، نه مبتنی بر پالیسی‌ها و قوانین دولت امریکا. قوانین و طرز العمل تطبیق عملی پالیسی سیاست خارجی امریکا بر تحلیل‌ها و نظرات افراد استوار نیست، بلکه نظرات تصویب شده توسط روش قانونگذاری در قوانین امریکا برای اجرا در پالیسی گنجانیده می‌شود. پالیسی‌ها و قوانین دولت امریکا در سیاست خارجی در عمل پیاده می‌گردد.

ثالثاً: اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که اعلام آزادی افغانستان توسط غازی امان الله خان را برسمیت شناخته بود، در آن زمان هنوز هم انگلیسها ابر قدرت در جهان بودند، بعد از جنگ جهانی دوم نقش ابر قدرت امریکا در رهبری روابط بین المللی در جهان برجسته شده است.

نامه دوستانه صدر کشور شوراهای اتحاد جماهیر شوروی ولادیمیر ایلیچ لنین به امیر امان الله پادشاه افغانستان.



افغانستان در جنوب کشور ابر قدرت اتحاد شوروی طویلترین سرحد را با جمهوریت های آسیا میانه اتحاد شوروی داشته بود. اتحاد شوروی بحیث یک ابر قدرت، بنابر موقعیت جیوپولوتیک افغانستان را در حریم امنیتی خویش میدانست، اولین معاهده امنیتی و حسن همجواری افغان-شوروی را کشور شوراهای با هیات امان الله خان محمد ولی دروازی امضا نمودند.

روابط افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی در طی در چهل سال زمامداری سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و جمهوریت سردار محمد داوودخان بخوبی ادامه داشته است. اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان پروژه های متعدد زراعتی، تعلیم و تربیه تحصیلات عالی و سایر پروژه ساختمانهای اساسی را اعمار نموده است.



Von Sowjets gebauter Straßentunnel  
Acht Zeilen in der „Prawda“

(«اعمار تونل توسط شوروی:  
هشت سطر در "پروادا"،  
"شپیگل"، شماره ۱۹ / ۱۹۷۸م»)



Gestürzter König Sahir, Putschführer Daud: Draht nach Moskau

(«پادشاه سقوط داده شده ظاهر، رهبر کودتا داوود: سیم یا مسکو»، "شپیگل" شماره ۳۰ سال ۱۹۷۳م، ص ۵۹)

ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان براساس امضای قرارداد امنیتی و حسن همجواری دولتی با حکومت امان الله خان انجام یافته بود، تجدد دوباره همان پیمان در خزان ۱۹۷۸ میلادی صورت گرفته است. درخواست کمک نظامی از شوروی با افغانستان توسط نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی در هنگام حملات شورشیان به ولایت هرات بکمک ایران و ولایت کنر بکمک پاکستان صورت گرفته است.



Staatschef Taraki (r.), Freund\*: Pläne für den Eventualfall

(«رئیس دولت "تره کی" (سمت راست)\*: پلانها برای حالت  
احتمالی»، "شپیگل"، شماره ۲۴ سال ۱۹۷۹م،\* "لیونید بریژنف"  
در دسمبر ۱۹۷۸م، در میدان هوایی "ونوکوو" - مسکو»)

با پیروزی انقلاب اکتوبر 1917 میلادی کشور شوراهای مانند بازی بزرگ تزارهای روسیه با هند برتانوی هدف رسیدن با آبها گرم را تعقیب نمیکردند. با آزادی هندوستان در سال 1947 میلادی هندوستان حکومت دوست وفادار اتحاد شوروی تحت رهبری جواهر لال نهرو صدراعظم هندوستان و حزب کانگریس ملی هند را باخود داشت. در هنگام ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان در هندوستان دولت دوست اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، که قسمت از اهداف حکومت هند دارای خصلت اعمار جامعه سوسیالیستی را خود داشت. موضوع رفتن شورویها با آبهای گرم افسانه تبلیغاتی مخالفین آنست. ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان براساس امضای قرارداد امنیتی و حسن همجواری دولتین با حکومت امان الله خان انجام یافته بود، تجدد دوباره همان پیمان در خزان 1978 میلادی صورت گرفته است. درخواست کمک نظامی از شوروی با افغانستان توسط نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی در هنگام حملات شورشیان به ولایت هرات بکمک ایران و ولایت کمر بکمک پاکستان صورت گرفته است. با پیروزی انقلاب اکتوبر 1917 میلادی کشور شوراهای مانند بازی بزرگ تزارهای روسیه با هند برتانوی هدف رسیدن با آبها گرم را تعقیب نمیکردند. با آزادی هندوستان در سال 1947 میلادی هندوستان حکومت دوست وفادار اتحاد شوروی تحت رهبری جواهر لال نهرو صدراعظم هندوستان و حزب کانگریس ملی هند را باخود داشت. در هنگام ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان در هندوستان دولت دوست اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، که قسمت از اهداف حکومت هند دارای خصلت اعمار جامعه سوسیالیستی را خود داشت. موضوع رفتن شورویها با آبهای گرم افسانه تبلیغاتی مخالفین آنست.



Kremigast Chaban-Delmas, Gastgeber: „Gewisse Aktionen des Westens ...“

( « مهمان کریملن "شبان-دیلماس"، مهماندار: "اکشن های معین غرب"»، در رابطه با افغانستان "یریزتف" گفته است، "این کشور حاضراً در ساحه تقوّه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار داشته است، آنچه که به اصطلاح حق مداخله مسکو را دربر می گیرد: یک تهدید را آدم می تواند دفع کند. بعد می توان دید، که یا یقیناً چه باید شود. تهدید در همه محلات: "اکشن های معین" غرب، رهبر شوروی چنین می گوید: "تحمّل نخواهد شد"، بطور مثال، ته مانند اینکه ایالات متحده امریکا چین را یا سلاح اتمی تجهیز نمود. "شبیگل": "برای ایالات متحده امریکا فقط دفاع می ماند". رهبر "کریملن" یر میز می گویدو "التماتم" صادر می کند: "یمن باور کنید، بعد از تخریب دستگاه اتمیک چینی، توسط راکت های ما، برای امریکاتی ها دیگر وقت زیاد نمی ماند، که بین دفاع از متحد چینی خود و همزیستی مسالمت آمیز انتخاب کنند.»

اتحاد شوروی قصد نداشت که از سرحدات افغانستان بطرف پاکستان و ایران برود. در گرماگرم هجوم ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان کشورهای غربی در بهار 1980 میلادی هیأت فرانسوی را برای روشن شدن ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان با مسکو فرستاده بودند. برژنیف و سایر رهبران اتحاد شوروی به هیأت فرانسوی با صراحت گفته بودند، که قوای نظامی شوروی از سرحدات بطرف کشور همسایه افغانستان نمی رود، مگر اتحاد شوروی به هیچ صورت تحریکات مخالفین را در جنوب کشور شان در افغانستان تحمل نمی کند. ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان برای جلوگیری از تحریکات مخالفین در افغانستان صورت گرفته است.

رابعاً : ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی بحیث دو ابر قدرت جهانی، دارای دو سیستم متضاد بودند، بآنکه هر دو متحدانه در سقوط فاشیسم هیتلر مشترکاً نقش داشتند، مگر این دو ابر قدرت جهانی سالهای متمادی علیه یکدیگر با جنگ سرد و یا جنگ گرم در مقابل همدیگر قرار داشتند. ویتنام در جنگ با امریکا را بکمک مستقیم اتحاد شوروی امریکا را شکست داده بود، امریکا در سدد گرفتن انتقام شکست خویش از شورویها بودند. ورود قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان مساعدترین فرصت برای اخذ انتقام امریکا از شکست جنگ ویتنام با اتحاد شوروی می باشد. ضیا نصری امریکایی- افغانتبار که برای استخبارات کار میکرد، در بهار 1980 میلادی برای خریداری اسلحه شوروی برای شورشیان افغان مستقر در پاکستان به مصر رفته بود اعلان نموده است، که ما (هدفش امریکاست)، " انتقام شکست جنگ ویتنام امریکا را از شورویها در جنگ افغانستان میگیریم".